ادبیات تطبیقی، سال دوم، شمارهٔ ۶؛ ص ۱۷۳-۱۶۱

بررسی تطبیقی اشعار بدر شاکر و نیما یوشیج

دکتر علیرضا محمدرضایی*
سمیه آرمات**

چکیده

نیما یوشیج و بدر شاکرالسیّاب، دو شاعر نوگرا و متجددند که در عین بُعد مکانی و زمانی، روحیات مشابه و زبان شعری یکسان دارند؛ هر دو در روستا و دامان طبیعت بزرگ شده‌اند و برای ادامه تحصیل، وطن و دیار خود را ترک کرده‌اند. بیان تنهایی و غربت و طبیعت‌گرایی مشخصه بارز در اشعارشان است. همچنین نوعی رمزگرایی اجتماعی در اشعارشان به چشم می‌خورد، چنان که با الفاظی نمادگونه، دردهای اجتماعی و سکوت و خفقان دوران استبداد را بیان کرده‌اند.

مقاله حاضر به‌دنبال پاسخی برای سؤال‌های زیر است:

۱. زبان شعر دو شاعر چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارد؟

۲. دلیل روی‌آوردن دو شاعر به شعر نو چه بوده و از چه زمانی آغاز شده است؟

۳. آیا تجدد و نوگرایی بدرشاکرالسیاب و نیما فقط در شکستن وزن و قالب است؟

۴. بارزترین تصویرپردازی‌ها در اشعار دو شاعر کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: نوگرایی، زبان شعر، تصویر و خیال، طبیعت، موسیقی شعر، رمز و نماد.

*. استادیار ـ دانشگاه تهران ـ پردیس قم
**. کارشناس ارشد زبان و ادب عربی
Am.rezaee@ut.qc.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۱۴

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

هر ادیب و شاعری برای گام‌نهادن در گستره بیکران ادبیات به ذوق و هنر نیاز دارد؛ چنان‌که یک قطعه ادبی، اگر رنگ احساس و عاطفه و الفاظ زیبا به‌خود نگیرد، خشک و بی‌روح خواهد بود. و هنگامی که این قطعه ادبی، هر لفظش دریایی از معانی باشد، چه‌بسا بر عظمت و زیبایی آن خواهد افزود. و این همان زبان برتر است، و رمز موفقیت شاعرانی است که در شعر نو گام نهادند و ترکیباتی بس زیبا و دلنشین خلق کردند، که در عین سادگی، سرشار از رمز و نماد و ابهام است. این اشعار، از سویی، حاکی از تصویرپردازی‌های شاعرانه و ابتکار و خلاقیت است و از سوی دیگر، از شیرینی‌ها و تلخی‌های زندگی شاعر و اجتماع پرده برمی‌دارد. ویژگی شاخص اشعار شاعران نوگرا و نوجو، توصیف اجتماع و سیاست و دردهای مردم است؛ البته در قالب طبیعت و زیبایی‌ها و زشتی‌هایی که در طبیعت نمود پیدا می‌کند. و این چیزی است که ما را برای شناخت افکار بدرشاکر سیاب و نیما یوشیج آماده می‌سازد؛ دو شاعر روستایی، تنها، طبیعت‌گرا و اسطوره‌ساز.

زندگینامه

بدر شاکر و نیما یوشیج، هر دو در خانواده‌ای اصیل و بزرگ به‌دنیاآمدند. نیما یوشیج در سال ۱۳۱۵ هـ در «یوش»، از دهات مازندران متولد شد. پدرش با کشاورزی و گله‌داری گذران می‌کرد و خود از همان آغاز کودکی تا ۱۲ سالگی با چراگاه‌ها و کوهستان‌ها و خلاصه، طبیعت زنده آشنایی نزدیکی داشت. و میان چادرنشینان و قبایل کوهستانی آنجا به‌سر می‌برد. (دستغیب، ۱۳۵۴: ۵)

بدر شاکر در سال ۱۹۲۶ م. در عراق، در روستای کوچکی به‌نام «جیکور» به‌دنیا آمد. این روستا در میان نخلستان‌ها واقع شده و به‌خاطر نام بدر شاکر، در محافل ادبی شهرت یافته است.

هر دو شاعر برای ادامه تحصیل به‌ناچار زادگاه خود را ترک کردند و به شهر رفتند. بدر شاکر در همین سال وارد دانشسرای عالی شد و به تحصیل در رشته ادبیات عرب روی آورد.

Archive of SID
www.SID.ir

وی پس از آشنایی با ادبیات غرب، رشته خود را به زبان انگلیسی تغییر داد. نیما هم برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در مدرسه «سن‌لویی»، ادبیات و زبان فرانسه و نقاشی آموخت. آشنایی با زبان و شعر فرانسه او را با قلمروهای جدید شعر آشنا کرد.

بنابراین، شناخت زبان بیگانه دریچه‌ای تازه به روی بدرشاکر و نیما یوشیج گشود؛ تا جایی که در پرورش روح سنت‌شکن و تجددگرای آن دو مؤثر افتاد. با این حال هر دو، در آغاز به شعر کهن و ادبیات کلاسیک دلبستگی عمیقی داشتند و به همان سبک شعر می‌سرودند و بعدها به شعر نو گرایش پیدا کردند، به گونه‌ای که اولین نشانه‌های نوگرایی در سال ۱۹۴۶ م. درشعر «هل کان حبا» از بدر شاکر مشاهده شد. این شعر آمیزه‌ای از قافیه‌های نامنظم است و تجربه تازه‌ای در قلمر وزن به‌شمار می‌رود.

شاید «ققنوس» نیز نخستین شعری است که نیما آن را در سال ۱۳۱۶ ه. در شکل و بیانی کاملاً تازه سروده است و با ارائه آن، شعر نو فارسی متولد شد (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۶۴). بنابراین، بدرشاکر و نیما در نوگرایی و شکستن وزن و قافیه و کاربرد کلمات جدید بسیار توانا و موفق بودند.

همان‌طور که در آغاز ذکر گردید، بدر شاکر و نیما یوشیج شاعرانی بودند که در عین بعد مکانی و زمانی، روحیاتی مشابه و مبتکر و خلاق داشتند؛ به‌گونه‌ای که هر دو، شاعری تنها و دور از وطن بودند و دوران سخت استبدادی را پشت‌سر می‌گذاشتند؛ دوران استبداد رضاخان در ایران و نوری سعید در عراق.

بدین ترتیب، هر دو شاعر از اجتماع و دردهای مردم و مشکلات سیاسی موجود در جامعه سخن می‌گفتند، تا جایی که هر دو به حزب توده گرایش پیدا کردند؛ اما نیما یوشیج به‌طور مستقیم به این حزب نپیوست، اما به‌دلیل طرز تفکرش و سخنانی که بر زبان می‌راند، او را چپ‌گرا معرفی کردند؛ درحالی‌که بدر شاکر در سال ۱۹۴۵ م. مستقیما به حزب کمونیسم ملحق شد و در مبارزات آنها شرکت کرد. به همین علت این دو شاعر، همیشه از شغلی به شغل دیگر و از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شدند. تا اینکه بدر شاکر در اواخر عمر به بیماری خطرناکی دچار شد و در سال ۱۹۴۶ م. هنگامی که از شدت بیماری رنج می‌برد،

Archive of SID
www.SID.ir

درگذشت.

نیما یوشیج نیز در دی‌ماه ۱۳۳۸ هـ . پس از یک دوره کسالت ممتد زندگی را بدرود گفت، درحالی‌که راه تازه‌ای در شعر پارسی گشوده بود.

آثار و تألیفات

بدر در سال ۱۹۴۷ م. موفق شد اولین مجموعه شعری‌اش به نام ازهار و زابله را به چاپ برساند.

در سال ۱۹۵۰ م. دومین مجموعه شعری خود به نام اساطیر را منتشر کرد.

در اواخر سال ۱۹۶۰ م. سومین مجموعه شعری خود به‌نام انشوده‌المطر که شامل سه قصیده است، ازجمله: «حفارالقبور، المومس‌العمیاء و الاسلحه و الاطفال» را منتشر کرد (السیاب، اعمال الشریعهٔ الکاملهٔ، ص ۳۹۹ـ۳۸۹). همچنین آثار ترجمه‌شده‌ای از زبان انگلیسی به نام مختارات مترجمه من الشعراء العالمی الحدیث. (میربصیری، جزء ثانی، ص ۵۹۶)

برخی از اشعار نیما در سال ۱۳۰۳ هـ . در کتاب منتخبات آثار از نویسندگان و شعرای معاصرین به انتخاب محمدضیاء هشترودی منتشر شد.

در سال ۱۳۰۵ هـ . دومین مجموعه شعرش را با نام خانواده سرباز منتشر کرد. در سال ۱۳۲۹ هـ . شعر افسانه به‌صورت کتابی مستقل به‌همراه مقدمه‌ای از احمد شاملو به چاپ رسید.

درسال ۱۳۳۲ هـ . چهارمین مجموعه شعری او به‌نام نیما یوشیج کیست، چیست؟ و در سال ۱۳۳۴ هـ . مقاله «ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان» به‌کوشش ابوالقاسم جنّتی عطایی منتشر شد. (ترابی، ۱۳۷۵: ۱۲ـ۱۰)

زبان شعر

مهم‌ترین جنبه هنری که برای ناقد شایسته تحقیق و بررسی در حوزه شعر است، زبان

Archive of SID
www.SID.ir

است عنصری که از میان آن می‌توان به ذات شعر آگاهی یافت.

در نیمه اول قرن بیستم، تغییرات بسیاری در زبان شعر روی داد. اصولاً هر تحولی که در شعر رخ می‌دهد، در وهله اول به فرهنگ اشعار و کاربرد کلمات ارتباط دارد. (اسوار، ۱۳۸۱: ۸۲)

بنابراین نیما یوشیج و بدرشاکر نیز برای بیان احساسات و عواطف خویش، زبان را دگرگون کردند و از کلمات و ترکیبات تازه بهره گرفتند؛ تا جایی که در بیان دردها و فقر و گرسنگی مردم، دارای زبانی بودند؛ گویی یکدیگر را می‌شناختند و صدای هم را می‌شنیدند، زیرا در برخی اشعار این دو شاعر سنت‌شکن، موضوع و عنوان شعر یکی است؛ به‌طوری‌که در اشعار «رساله، رثاء جدتی، فی‌اللیل، اسمعه یبکی و دار جدی» از بدر شاکر و اشعار «نامه، پدرم، در شب تیره، آن که می‌گرید و عمارت پدرم» سروده نیما، این هماهنگی، به‌خوبی مشاهده می‌شود.

اما با اینکه عنوان‌های شعری مشابه است، مضمون و محتوا و زبان شعر در بسیاری از جهات متفاوت است، زیرا زبان بدر شاکر، سرشار از احساس، و ساده و صمیمی است، درحالی‌که زبان نیما یوشیج، نمادگونه است و می‌توان معانی متفاوتی را از کلمات به‌کار رفته در آن، برداشت کرد.

در بحث از زبان شعر، گذشته از بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی، اشعار آنها، از گستردگی واژگان، ترکیب‌سازی و تکرار، که به ایجاد زبانی برتر کمک می‌کند، بهره‌مند است.

۱. گستردگی واژگان

مهم‌ترین مشکلی که خیلی از شاعران به‌ویژه شاعران کلاسیک‌سرا دارند، این است، که تصور می‌کنند شعر واژگان خاص خود را دارد و فقط کلمات خاصی را می‌توان در آن به‌کار برد، در حالی‌که نوگرایان معتقدند زبان تازه امروز با همه داغی و ناخوشایندی و درشتی‌اش می‌تواند زبان شعر باشد؛ و ایمان دارند واژه شعری همان کلمه‌هایی هستند که در میان ما و

Archive of SID
www.SID.ir

در خانه‌ها و دکان‌ها و... زندگی می‌کنند، نه واژه‌هایی که در شکم فرهنگ‌ها مدفون شده‌اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹)

یکی از آماج‌های والای نیما، نزدیک کردن زبان شعر به طبیعت گفتار بود؛ تا شعر پیوند گسترده‌تری با مردم بیابد. شاعر پهناورد زبان را با آفرینش آمیخته‌های تازه و بخشیدن بار استعاری به واژگان و پهنه‌ورکردن نمادهای تازه و پذیرفتنی، گسترش می‌دهد. (عسگری، ۱۳۸۴: ۶۰)

به عنوان مثال: کلمات «لم، آییش، نوغانخانه، کک کی و...» ازجمله واژه‌هایی است که نیما یوشیج با ابتکاری نوین توانسته است در جای‌جای شعر به‌کار گیرد و به همگان یادآور شود، که شعر، دریایی از احساس، و زبان، بستری، برای به بار نشستن این احساس است، شعر نو نیز دروازه‌ای است که هر واژه‌ای به آن اجازه ورود می‌یابد، بی‌آنکه حتی تنافر و ضعف تألیفی در زبان شعر نمودار شود.

این واژه‌ها به زیبایی، در شعر جای گرفته، و بر دل مخاطب نیز اثری بس شگرف می‌گذارد. حال آنکه شاعر با واژه‌های قدیمی و تکراری هرگز نمی‌توانست عواطف نهفته در درون خویش را به خواننده منتقل کند. و این بستر گسترده زبان و واژه‌های تازه، به شاعر این امکان را می‌دهد که هرچه در دل و خاطرش می‌گذرد بر گستره شعر بگنجاند، آن هم با زبان شعری نوین و واژه‌هایی جدید و ابتکاری.

بدر شاکر نیز در دیوان انشوده‌المطر، در بسیاری اشعار، از واژه‌های تازه از قبیل اسم شهر و روستای محل زندگی خود، «عراق و جیکور» و همچنین نام «بویب»، همان رودی که همواره یادآور خاطرات دوران کودکی‌اش است، استفاده کرده و جایگاه ادبی خاصی به آنها بخشیده است. به این ترتیب، وی از کاربرد کلمات تکراری و قدیمی پرهیز کرده که نشان‌دهنده زبان نو و تحول‌گرای شاعر است.

با توجه به اینکه محلّ زندگی دو شاعر تجددگرا در روستا بوده، تصاویر زیبای روستا، برای نیما در «یوش» و جنگل و کوه و دریا نمود پیدا می‌کند و برای بدر شاکر سیاب در «جیکور»، با نخل‌های زیبا و بلندش جلوه‌گر می‌شود و به‌صورت رمز و نماد درمی‌آید

Archive of SID
www.SID.ir

و سمبل بسیاری از معانی و مفاهیمی می‌شود، که نیما و بدرشاکر در سراسر اشعارشان می‌خواهند به شنونده القا کنند.

دگرگون‌کردن خانواده کلمات کار آسانی نیست، بسیاری از جوانان در ایران و کشورهای عربی، کلمات متنوع و عجیب و غریبی را به زور داخل شعر می‌کنند، ولی این کلمات به هیچ‌وجه در نظام شعر قرار نمی‌گیرند. کاربرد شعری کلمات متنوع هم است و نه صرف کاربرد آنها در قالبی منظوم به نظم آزاد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۳۴)

۲. ترکیب‌سازی

یکی از راه‌هایی که برای جبران فرسوده‌شدن واژگان کهن و هم نیز برآوردن نیازهای جدید می‌توان به‌کار برد، ترکیب‌سازی است؛ به این ترتیب که دو واژه مختلف، کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و ترکیبی می‌سازند که معنایی متفاوت با واژه‌های اصلی دارد.

ترکیب‌سازی یکی از قابلیت‌های زبان است که به شاعر این امکان را می‌دهد تا در فضایی جدید حرکت کند و موضوعاتی را که در ذهن می‌پروراند، بهتر و زیباتر و همراه با ایجاز به خواننده منتقل کند. زیرا ترکیب‌سازی به کوتاه‌کردن جمله‌های طولانی کمک می‌کند. البته هر ترکیبی که شاعر می‌سازد برای اینکه شرایط ورود به زبان را کسب کند باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد. دکتر شفیعی کدکنی این شرایط را در دو چیز می‌داند:

۱. رعایت اصل زیباشناختی.

۲. رعایت اصل رسانگی و ایصال.

یعنی، وقتی دو واژه با هم ترکیب می‌شود، نه‌تنها باید دارای نوعی زیبایی باشد، بلکه در انتقال مفاهیم و احساسات گوینده نیز، حتما وضوح و رسایی داشته و از ابهام و پیچیدگی به‌دور باشد.

نیما یوشیج و بدر شاکر نیز در بسیاری اشعار، با ذهنی مبتکر و خلاق، از کلمات متفاوت و در کنار هم قرار دادن آنها ترکیباتی ساخته‌اند که با گوش ما ناآشنا است. درحالی‌که اگر از این کلمات به‌تنهایی استفاده می‌کردند، تا این اندازه تازه و جذاب به‌نظر نمی‌آمد. به‌عنوان مثال،

Archive of SID
www.SID.ir

در ترکیبات «استخوان‌شمار طمع و غبارانده‌وده اندیشه‌های من ملال‌انگیز و...» و نیز ترکیبات «یا رب‌المخاوف والدیامیس الضریرة، صدرک الدافی العاطر و...»، کلمات «استخوان‌شمار، طمع، غبار و...» از نیما و «رب، مخاوف، صدر و...» از بدر شاکر، با گوش‌های ما آشنا است و به شنیدن آنها عادت کرده‌ایم؛ اما شاعر با ترکیباتی که خلق کرده است، از ما آشنایی‌زدایی می‌کند. درنتیجه، از شنیدن آن، لذت می‌بریم و احساس شگفتی می‌کنیم.

۳. تکرار

تکرار یکی از تکنیک‌های زبانی است که شاعر، گاهی به‌وسیله آن، زیبایی خاصی به کلام می‌بخشد. تکرار، هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

تکرار انواع متفاوتی دارد. ازجمله: «تکرار حروف، تکرار اصوات، تکرار اسم‌ها، تکرار تصاویر و...».

بدر شاکر و نیما یوشیج نیز از انواع تکرار بهره گرفته‌اند. به‌عنوان مثال: نیما در شعر «ناقوس»، تکرار حرف، اصوات و... را به‌کار گرفته و بدر شاکر در شعر «انشوده المطر» از تکرار الفاظ، و در شعر «مرثیه‌الالهه» از تکرار حروف و در شعر «شناسیل انبه‌الجبلی» از تکرار اصوات بهره برده است.

تکرار لفظ یا پدیده، جنبه روحی و روانی دارد؛ به‌طوری که ناقد می‌تواند با آن، شخصیت شاعر و ابعاد روانی او را تحلیل کند؛ یعنی تکرار، ما را به‌سوی حقایقی هدایت می‌کند که شاعر می‌کوشد از دیگران مخفی سازد. (حمیدالکبیسی، لغه‌الشعر العراقی المعاصر، ص ۱۸۲)

بنابراین، شاعر، با به‌کارگیری تکرار، اغراضی بس فراتر از زیبایی‌های لفظی دارد؛ زیرا از این طریق می‌تواند مفاهیم و دلالت‌های بسیاری را به‌صورت زیبا و شایسته به دیگران انتقال دهد.

صور خیال

تصویر یا خیال، درحقیقت، توانایی ارائه نوعی بیان غیرواقعی است که از دید تازه و

Archive of SID
www.SID.ir

هنری شاعر از محیط پیرامون او ناشی می‌شود. به بیان دیگر، دخل و تصرف ذهنی شاعر در طبیعت و اشیا است. همچنین تخیل، عبارت از کوششی است که ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیا دارد. به عبارت دیگر، تخیّل نیرویی است که به شاعر امکان آن را می‌دهد که میان مفاهیم و اشیا ارتباط برقرار کند، پل بزند و چیزی را که قبل از او، دیگری درنیافته، دریابد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۸۹)

از مهم‌ترین صور خیال: «تشبیه، استعاره و مجاز، تشخیص و بیان پارادوکسی و...» است. اما آنچه در اشعار نیما و بدرشاکر، بارزتر و چشمگیرتر است، تشخیص و بیان پارادوکسی است.

صنعت تشخیص در اشعار بدرشاکر و نیما یوشیج به وفور یافت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گویی این دو شاعر، با طبیعت زندگی می‌کنند. در نگاه آنها، همه چیز حقّ حیات و زندگی دارند، تا جایی که از اشیای مادی، پا فراتر می‌گذارند و به امور معنوی مانند: «غم و شادی و مرگ و زندگی» نیز حیات می‌بخشند.

در تمامی تصویرپردازی‌ها و شخصیت‌بخشی به اشیا، دو شاعر، پیوند عمیقی با طبیعت برقرار می‌کنند و از این نزدیکی و ارتباط، بسیار لذت می‌برند. شاعر با تخیّلی قوی و پراحساس، که همواره تمامی اشیا را زنده می‌بیند، با آنها حرف می‌زند و با طبیعت زندگی می‌کند، مسلما می‌تواند، تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارد و خواننده را نیز در لذت کشف شاعرانه‌اش شریک سازد. به هرحال، تشخیص، یکی از قوی‌ترین صور خیال است و روح و زندگی‌ای به شعر می‌بخشد که با دیگر صور خیال امکان‌پذیر نیست.

بیان پارادوکسی نیز در اشعار این دو شاعر به وفور یافت می‌شود، به‌گونه‌ای که در اشعاری که بدر شاکر، گرایش شهری و روستایی دارد، ماند «مدینۀ جیکور، عودۀ لجیکور، انشودۀ المطر و...» این نوع بیان به‌چشم می‌خورد.

نیما یوشیج نیز در اشعار «دل فولادم، ناقوس، مرغ غم، اندوهناک شب و...» از بیان پارادوکسی بهره گرفته است؛ یعنی دو شاعر با تصرف شاعرانه در طبیعت، امور متضادی را به هم پیوند زده و به کشف تصویری تازه دست یافته‌اند که نه‌تنها تازه و امروزی است، بلکه

Archive of SID
www.SID.ir

سرشار از مفاهیمی است که شاعر، جز در غیر این واژه‌ها نمی‌توانست به خواننده القا کند.

موسیقی شعر

یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده شعر، موسیقی شعر است، که علاوه بر لذت موسیقیایی خاصی که در مخاطب ایجاد می‌کند، شاعران از شور و هیجان ایجادشده برای آماده‌سازی مخاطب در راستای دریافت بهتر اندیشه و احساسات و عواطف بازتابی در شعر خویش بهره می‌گیرند. (فولادی: ۱۳۸۳، ص ۸۹)

موسیقی شعر انواع متفاوتی دارد، ازجمله (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹۳_۳۹۰)

۱. موسیقی بیرونی:

منظور جانب عروضی وزن شعر است که بر همه شعرهایی که بر یک وزن سروده شده‌اند منطبق است.

۲. موسیقی کناری:

منظور، عواملی است که در نظام موسیقیایی شعر تأثیر می‌گذارد و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است.

۳. موسیقی درونی:

این نوع موسیقی از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین‌خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر پدید می‌آید.

۴. موسیقی معنوی:

همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت، یا یک مصراع، ازجمله طباق و تضاد و مراعات نظیر و... موسیقی معنوی یک اثر ادبی است.

آنچه شعر نو را از شعر کهن متمایز می‌سازد، کاربرد متفاوت وزن و قافیه است. در شعر نو، شاعر، خود را موظف می‌داند وزن را از ابتدا تا انتها رعایت کند، که در این ویژگی، با اشعار کهن برابری می‌کند؛ مثلاً: شاعر نمی‌تواند در یک مصراع وزن «مستفعلن» و در مصراع بعدی از وزن «فاعلاتن» استفاده کند. بلکه باید یک وزن را اختیار کند. اما تفاوتی که شعر

Archive of SID
www.SID.ir

نو با شعر کهن دارد، این است که شاعر شعر آزاد، مجبور نیست این تفعله‌ها را در تمامی ابیات به یک اندازه به‌کار گیرد، بلکه به‌اندازه مطلب خویش از این افاعیل عروضی استفاده می‌کند، به‌طوری که ممکن است در یک بیت، تنها با دو واژه سخن شاعر تمام شود و در بیت دیگر با چندین کلمه.

نمیا نیز آگاهانه، مصراع‌ها را کوتاه و بلند می‌کرد؛ زیرا می‌دانست اگر تنها به کیفیت توجه کند و کمیّت را درنظر نگیرد، هیچ صدمه‌ای به موسیقی شعر وارد نمی‌شود. ازلحاظ کاربرد قافیه نیز، اغلب گمان می‌کنند نیما به آن توجهی نداشته است و شعر نو را به‌عنوان شعری بی‌وزن و قافیه می‌شناسند؛ درحالی که نیما نه‌تنها از وزن و قافیه استفاده می‌کرد، بلکه قافیه را زنگ مطلب می‌دانست و می‌گفت هر جا که مطلب تمام شود، قافیه آورده می‌شود. و عقیده داشت، شعر قدیمی‌ها شعر بی‌وزن و قافیه است. و روش خود را بسیار سخت و دشوار می‌دانست که به‌راحتی قابل تقلید نیست، اما شعر قدیمی‌ها به‌راحتی تقلید می‌شود و هر کسی می‌تواند به سبک گذشته شعر بسراید. بنابراین شاعر شعر نو، هرجا لازم بداند از قافیه استفاده می‌کند بدون اینکه خود را مقید به مصراع و بیت و قالبی بداند که او را محدود کند. این‌گونه به‌کارگیری وزن و قافیه به شاعر این امکان را می‌دهد که آزادانه سخن بگوید و در ابراز احساساتش با مانعی مواجه نشود.

درمورد موسیقی درونی و معنوی، یادآور می‌شود که بدر شاکر و نیما، آن اندازه که به شکستن قالب‌ها و ایجاد زبانی متحرک و پویا اهمیت می‌دادند، به موسیقی درونی و معنوی توجهی نداشتند. و هرجا، ضمیر ناخودآگاهشان به این موسیقی گرایش پیدا می‌کرد، از آن بهره می‌گرفتند. زیرا نیما عقیده داشت: وزن ابزار است، همچنین کلمات، سبک، مکتب، شکل، طرز کار، فصاحت، بلاغت و امثال آن، عمده این است که چطور ترکیب می‌شود و با آن، چه به‌وجود می‌آید. (نیما یوشیج، ۱۳۶۳: ۵۸)

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که ذکر شد، می‌توا در قالب چند جمله به سؤالات مطرح شده پاسخ

Archive of SID
www.SID.ir

داد:

۱. به دلیل آشنایی با طبیعت و نیز، جو اجتماعی و سیاسی حاکم در آن دوران، زبان شعر بدرشاکر و نیما یوشیج در خیلی موارد مشابه است.

۲. هر دو با یک زبان بیگانه آشنایی داشتند. چنان‌که بدر به زبان انگلیسی تسلط داشت و نیما یوشیج به زبان فرانسه و همین آشنایی با زبان بیگانه دریچه‌های تازه‌ای از شعر را به روی آنها گشود و در پرورش روح سنت‌شکن آن دو مؤثر بود.

۳. در آغاز به سبک کلاسیک شعر می‌گفتند و کم‌کم به شعر نو گرایش پیدا کردند. البته التزام به وزن و قافیه را یک وظیفه می‌دانستند؛ اما در کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و به‌کارگیری قافیه‌های نامنظم به نوعی آزادی و اختیار عمل ایمان داشتند. چنان‌که اولین شعر آزاد نیما و بدر شاکر سیاب، به ترتیب «ققنوس» و «هل کان حبا» است.

۴. نوگرایی آنها تنها در شکستن وزن و قالب نبود، بلکه در ایجاد بیان و زبانی تازه و خلق تصویرهای نو نیز پرآوازه‌اند. چنان‌که در شخصیت‌بخشی به اشیا و ایجاد تضاد و تقابل بین مفاهیم تبحر زیادی داشتند.

کتابنامه

اسوار، موسی. ۱۳۸۱. *پیشگامان شعر امروز عرب*. تهران: سخن.

ترابی، ضیاءالدین. ۱۳۷۵. *نیمایی دیگر نگاهی تازه به شعرهای نیما یوشیج*. چاپ اول. نشر دنیای نو.

حمید الکبیسی، عمران خضیر، *لغةالشعرالعراقی‌المعاصر*. کویت: وکالةالمطبوعات.

دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۵۴. *نیما یوشیج (نقد و بررسی)*. چاپ دوم.انتشارات پازند.

زرین‌کوب، حمید. ۱۳۵۸. *چشم‌انداز شعر نو فارسی*. انتشارات توس.

السیّاب، بدرشاکر. *اعمال الشعریةالکاملةٌ*. بغداد: دارالحریة للطباعة و النشر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۳. *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.

_____ . ۱۳۸۰. *شعر معاصر عرب*. تهران: انتشارات سخن.

_____ . ۱۳۷۳. *موسیقی شعر*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات آگاه.

عسگری، میرزاآقا. ۱۳۸۴. *هستی‌شناسی شعر*. چاپ اول. انتشارات قصیده‌سرا.

Archive of SID

www.SID.ir

فولادی، محمد. ۱۳۸۳. *تحلیل سیر نقد شعر فارسی از سال ۱۳۶۷ـ۱۳۵۸*. چاپ اول. انتشارات دانشگاه قم.

میربصیری. *اعلام الادب فی العراق الحدیث*. دارالحکمة. جزء الثانی.

نیما یوشیج. ۱۳۶۳. *حرف‌های همسایه*. چاپ پنجم. انتشارات دنیا.

Archive of SID

www.SID.ir